

عنوان مقاله:

ارزیابی عصب شناختی تعامل عاطفی و اجتماعی بازدیدکنندگان در فضاهای بینابینی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

محل انتشار:

دوفصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، دوره 8، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

شوکا معتمدی - دانشجوی دکتری، معماری، پردیس بین المللی، دانشگاه تهران

علیرضا عینی فر - استاد، معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

فضاهای بینابین که دو مکان اصلی را در کالبد معماری به هم وصل می کنند و در حد فاصل دو رویداد قرار می گیرند، نقش مهمی در چگونگی ارتباط انسان با مکان دارند. دو مقوله انسان شناختی و جامعه شناسی با عناوین آستانگی و دیگرانگی بهترین نمود را در درک و تعامل با فضاهای مابین در موزه ها دارند که از طریق میزان تعامل و مشارکت احساسی عاطفی و تعامل اجتماعی رفتاری مخاطبان موزه ها، قابل تحلیل اند. هدف این پژوهش درک بهتر ویژگی های تاثیرگذار فضاهای مابین در تعامل بهتر با فضای موزه است. پرسش اصلی این است که چه ویژگی های هندسی در فضاهای بینابین موزه می تواند تعامل عاطفی و اجتماعی را در مخاطبان افزایش دهد؟ برای پاسخ به این پرسش آزموده و تحلیل رفتار و علم زبان بدن استفاده شد. در نهایت تحلیل داده ها براساس علم زبان بدن و یافته های علم عصب شناسی صورت گرفت. برای موردپژوهی، موزه دفاع مقدس تهران برگزیده شد. پنج مفصل بینابینی سالن های نمایشگاهی انتخاب و با مشارکت مخاطبان تصادفی و با نرم افزار آبرزور تحلیل رفتاری شد. یافته ها نشان داد که فضاهای "دیوار برجسته گچی" و "گذرگاه آجری"، بیشترین میزان تعامل عاطفی و "گذرگاه آجری" و مفصل "کف شیشه ای"، بیشترین میزان تعامل اجتماعی را در فضاهای بینابین موجب شده اند. هندسه نامتقارن، غیراقلیدسی، غیرساده و غیرمتصل و چندضلعی های پیچیده، به جهت افزایش برانگیختگی مغز، هندسه مناسبی برای فضاهای بینابین موزه است. مدل تدوین شده برای پژوهش می تواند با ویژگی تکرارپذیری، در فرایند برنامه ریزی پیش از طراحی و ارزیابی پس از طراحی موزه های با موضوع و موضع متفاوت، کاربرد داشته باشد. فضاهای بینابین که دو مکان اصلی را در کالبد معماری به هم وصل می کنند و در حد فاصل دو رویداد قرار می گیرند، نقش مهمی در چگونگی ارتباط انسان با مکان دارند. دو مقوله انسان شناختی و جامعه شناسی با عناوین آستانگی و دیگرانگی بهترین نمود را در درک و تعامل با فضاهای مابین در موزه ها دارند. این دو مقوله از طریق میزان تعامل و مشارکت احساسی عاطفی و تعامل اجتماعی رفتاری مخاطبان موزه ها، قابل تحلیل اند. پرسش اصلی پژوهش این است که چه ویژگیهای هندسی در فضاهای بینابین موزه می تواند تعامل عاطفی و اجتماعی را در مخاطبان افزایش دهد؟ برای پاسخ به این پرسش از رویکرد علم عصب شناسی رفتاری و مشاهده رفتار از طریق علم زبان بدن استفاده شد. برای مطالعه موردی، موزه دفاع مقدس تهران برگزیده شد و پنج مفصل بینابینی سالنهای نمایشگاهی انتخاب و با مشارکت مخاطبان تصادفی و با نرم افزار آبرزور تحلیل رفتاری شد. فضاهای "دیوار برجسته گچی" و "گذرگاه آجری"، بیشترین میزان تعامل عاطفی و "گذرگاه آجری" و مفصل "کف شیشه ای"، بیشترین میزان تعامل اجتماعی را در فضاهای بینابین نشان دادند. هندسه نامتقارن، غیراقلیدسی، غیرساده و غیرمتصل و چندضلعی های پیچیده، به جهت افزایش برانگیختگی مغز، هندسه مناسبی برای فضاهای بینابین موزه محسوب می شوند. این یافته ها می توانند راهگشای چگونگی طراحی آستانه ها در موزه ها باشند.

کلمات کلیدی:

فضاهای بینابینی موزه، زبان بدن، عصب شناسی رفتاری و تعامل عاطفی-اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1220933>



